

کتاب

خردنامه همشهری

ویژه‌نامه کتاب: آسان و آذر ماه ۸۹ شماره ۶۴
۱۹۶ صفحه ۲۰۰۰ تومان ۱۷۵۵ - ۵۷۵۵ ISSN



پرونده‌ای برای
«تاریخ نقد جدید» و مترجمش
سعید ارباب شیرانی
درسی به نام سخن سنجی



گفت و گو با عبد الله کوثری
درباره آخرین ترجمه‌هایش
از ادبیات آمریکای لاتین
هنوز هم شاعرم



فصلی از کتاب در دست انتشار
سید احمد فردید
کوش سخن شنو کجا؟

گفت و گو با
احمد رضا احمدی
درباره شعرهایش

مترجم
خواب و رویا

نگاهی به «کار گل» نوشته ایوان کلیما

مردم عادی در زمانه غیر عادی

شیوا مقالنو



جامعه کتابخوان ایرانی ادبیات کشور چک را در سال‌های میانی دهه ۷۰ و عمدتاً با آثار میلان کوندرا شناخت و از آن بسیار هم استقبال کرد. تب کوندرا خوانی بالا گرفته بود و انگار این تب - فارغ از شایستگی‌های قلم و مضامین کوندرا - صرفاً به سبک ادبی و نوع نوشتار او مربوط نبود بلکه فضا و شرایطی که کوندرا در مورد آن می‌نوشت و الزاماتی که سوژه‌های داستانی‌اش با آن روبه‌رو بودند بیش از هر چیز خواننده را هیجان زده می‌کرد. حالا و در اواخر دهه ۸۰ که آن تب فروکش کرده و می‌توان نقد و تحلیل سنجیده‌تری از ادبیات کوندرا را ارائه کرد مخاطبان ایرانی با آثار و قلم نویسنده هم‌وطن او نیز آشنا می‌شوند: ایوان کلیما و باز چه آشنایی شیرینی. اما تفاوتی بزرگ میان ادامه راه کوندرا و کلیما وجود دارد: اگر چه هر دوی آنها تبعیدی بودند و از چک به غرب رفتند تا زیستنی دیگر را تجربه کنند اما کلیما برخلاف کوندرا در سال ۱۹۷۰ دوباره به کشورش بازگشت و باز همان‌جا و در مورد آنجا نوشت.

همان زمانه و فضایی که کوندرا و کلیما در موردش نوشته‌اند مهم‌ترین بهانه برای ورود بخش‌های اتوبیوگرافیک مقاله‌ای یا نیمه مستند در آثار این دو بوده است. در اکثر آثار کوندرا همیشه یک فصل کامل یا بخشی از فصل‌ها به پاراگراف‌هایی صرفاً مقاله‌ای اختصاص می‌یافت که در دل داستان جابخش می‌کرد و در بستر ادبیات جهان بینی کلی و دغدغه‌های فلسفی

نویسنده‌اش را با مخاطب در میان می‌گذاشت. ایوان کلیما اما راه مستقیم‌تری را رفته است (دست کم با آنچه تا امروز از او دیده‌ایم): او روشی مشخصاً زندگینامه‌ای برگزیده، خودش را قهرمان اول / راوی داستان‌هایش قرار داده و با ذکر مشکلات روزمره نامعقولش خواننده را مستقیم به دل پراگ می‌برد که بهارش گذشته و در خزان کمونیسم گرفتار شده است. شیوه بیانی اول شخص کلیما در «کار گل» اگر چه مستقیماً مخاطب را مورد خطاب قرار نمی‌دهد اما آن قدر صمیمی و جاندار است که نوعی فضای خصوصی و گپ و گفتی میان او و خواننده‌اش به وجود می‌آورد: انگار نشستیم و همراهش چایی می‌خوریم و به اسرار مگوی او گوش می‌کنیم و بعد از هر ماجرای بلند می‌گوییم: نه بابا، مگه ممکنه؟!

عامل مهم دیگر در به دل نشستن این راز طنز ریقیست که کلیما در ارائه اتفاقات هولناک پیرامونش از آن بهره می‌گیرد. بهتر است بگوییم سرخوشی نوعی سبکی در بیان که رخدادها را تحمل‌پذیر می‌کند؛ طنز تلخ قهرمان فرهیخته و یک لاقبایی که از لحظه‌ای که پاراز خانه‌اش بیرون می‌گذارد نمی‌داند در معرض چه جرم نکرده و چه اتهام تایید نشده‌ای خواهد بود و سر از چه ناکجا آبادی در خواهد آورد. او یک شهرنشین قرن بیستمی است اما مصائب شغلی و زندگی‌اش کم از مشکلات زره‌پوشان قرون وسطا در روایتی با ازدها ندارد. این ترکیب

■ کار گل
■ نویسنده:
ایوان کلیما
■ مترجم:
فروغ پوریادری
■ نشر آگه
■ شمارگان:
۲۲۰۰ نسخه
■ قیمت:
۵۷۰۰ تومان



سرخوشی و اندوه از همان عنوان کتاب آغاز می‌شود. همان طور که در موخره آمده عنوان اصلی کتاب از ضرب‌المثلی چک می‌آید که مفهومش این است: «کسی که نه کار و شغل مختلف دارد کار دهمش فقر خواهد بود». اشاره به اینکه کسی که با یک دست چند هندوانه بردارد هیچ کدام را سالم به مقصد نمی‌رساند. این عنوان حسی شوخ طبعانه در دل خود دارد؛ ترکیبی از حکایات عامیانه کهن و سوررئالیسم زیستن در چک کمونیستی که طبعیتاً در ترجمه انگلیسی یا فارسی عنوان در نمی‌آید.

کلیمای راوی / قهرمان به ترتیب شش شغل مختلف را در این کتاب می‌آزماید که برای یک نویسنده بالفطره یکی از یکی بی‌ربط‌تر می‌نماید. اما همین بی‌ربطی‌ها فضاهای داستانی او و تجارب نویسندگی‌اش را شکل می‌دهد. انگار قرار نیست او کسب و کار دهمش را «نوشتن» قرار بدهد؛ بلکه باید به جای نوشتن راهی برای زنده ماندن بیابد: یک زنده ماندن ملموس و روشن؛ نه زنده ماندن اندیشه و تفکر بلکه در وهله اول سیر شدن شکم و سالم ماندن بدن. کلیما می‌خواهد مواد خام شغل‌های چندگانه‌اش را هر چه خواندنی‌تر کند و میراثی خاص به جا بگذارد که همان قدر ادبی است که فرهنگی. در این میراث ابدی دیگر خبری از بانوان مجلس به تور و جواهر و آقایان فراگ‌پوش داستان‌های کلاسیک کشور چک نیست بلکه زندگی و فرهنگ مردمی نشان داده می‌شود که در میانه اروپای مدرن برای بقا می‌جنگند. زندگی کارآکره‌هایی کوچک با علاقی و ترس‌ها و محرک‌های ملموس که مسیرهای متفاوتی را برای زندگی / بقا برگزیده‌اند. هر کار به ظاهر غیرعادی که انجام دهند حتماً دلیل دارد و کلیما خواننده را اصلاً به پیش‌داوری واهی ندارد؛ حتی برای کارآکره‌های منفی‌اش و همین امر باعث می‌شود «کار گل» منعطف و صمیمی باقی بماند.

سبک کلیما هر بخش از این زندگی روزمره و غیر مهم را استعلا می‌بخشد و به مرحله‌ای کلی‌تر و معنادارتر از زندگی بشری می‌رساند. به روایت او کار کردن، کار گل راهی است برای فرار از فشارهای طاقت‌فرسای جامعه ایدئولوژیک پیرامون؛ انگار راوی با قبول این مشقات به نوعی نیروهای قاهر کمونیستی را دست می‌اندازد: چه آنجا که به شغل گروتسک و غریب انتقال دستی اطلاعات بین دو کامپیوتر می‌پردازد؛ چه آنجا که از راندن اتومبیل شخصی خودش منع می‌شود اما در ادامه قطاری چند تنی - آرزوی همیشگی‌اش - را می‌راند؛ و چه آنجا که با قبول شغل واقعی شاگرد مساحی وارد جهان داستانی کافکا شده و مثل «ک» در میانه این زمین‌ها سرگردان می‌ماند. کلیما به بهانه روایت این خرده‌روایت‌ها جامعه‌ای را نشان می‌دهد که در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی و حتی بیناشخصی شکست خورده است؛ اما نتوانسته حس زنده بودن را در دل آدم‌ها بکشد. هر کس راهی برای بقا یافته و بقای کلیما در نوشتن است.